۶۹ درصد مردم معتقدند وضع اقتصادی قبل از برجام بهتر بود

روزنامه اعتماد به نقل از نظرسنجی ایسپا نوشت: ۶۹ درصد پاسخگویان معتقدند که وضع زندگی امروز آنان نسبت به ۵ سال پیش (قبل از برجام) بدتر شده است و فقط ۱۲ درصد اعلام کرده‌اند که بهتر شده است. افرادی که تحصیلات کمتری داشته‌اند ارزیابی بدتری از وضع زندگی خود ابراز داشته‌اند. همچنان که افراد عائله‌مند و با درآمد کمتر و تا حدودی روستائیان نیز ارزیابی بدتری از تحول وضعیت اقتصادی خود در ۵ سال گذشته داشته‌اند.

طبق همین نظرسنجی، ۵۳ درصد مردم، علت اصلی مشکلات را ناکارآمدی برخی مدیران و ۲۲ درصد هم تحریم‌ها عنوان کرده و ۲۵ درصد هم دلایل دیگر را برشمرده‌اند. ۷۶ درصد افراد با تحصیلات دانشگاهی ریشه اصلی را ناکارآمدی مدیران دانسته‌اند. ۱۶ درصد افراد فاصله وضع اقتصادی خود را با وضع ایده‌آل کم می‌بینند و ۷۷ درصد زیاد ارزیابی می‌کنند. ۸۳ درصد افراد با تحصیلات دانشگاهی این فاصله را زیاد می‌دانند.

همچنین ۵۵ درصد معتقدند که دولت توانمندی‌های زیادی در کمک به بهبود وضع زندگی مردم دارد. همچنین معتقدند که دولت باید در حد زیاد در نظارت بر قیمت‌ها دخالت کند. (۸۷ درصد) در رونق کسب و کار (۸۰ درصد) بر حساب‌های بانکی (۴۰ درصد) توزیع یارانه‌ها (۶۵ درصد) و نظارت بر دستمزدهای کارگری (۸۷ درصد) چنین اعتقادی دارند.

کنترل نقدینگی تنها راه کاهش گرانی هاست؟!

هادی حق شناس اقتصاددان طی یادداشتی در **روزنامه آرمان ملی** نوشت: اگر بخواهیم اقتصاد و به‌طور مشخص پول را که اصلی‌ترین عنصر در اقتصاد است و این پول هست که همه بازارها را تحریک می‌کند و به یک معنایی دیگر منجر به سیالیّت اقتصاد با همه ابعاد آن می‌شود، با عنصری خارج از اقتصاد و با یک عنصر در فیزیک مقایسه کنیم، بهترین عنصر قابل مقایسه آب است. همچنان که آب در بیابان جذب نمی‌شود بلکه جاری است و باید مسیر آب را به سمت رودخانه یا دریا هموار کرد، در غیر این‌صورت اگر رودخانه و دریایی نباشد، عوارض سیل یا بخار آب حل نمی‌شود همچنان که عوارض نقدینگی با افزایش کاهش قیمت دلار حل نمی‌شود. این وضعیت درخصوص پول در اقتصاد ایران است. چون فضای کسب‌وکار مناسب نیست، پول جذب اقتصاد یا جذب بخش واقعی اقتصاد نمی‌شود و این نقدینگی جاری است و هر لحظه به دنبال رودخانه یا کانال جدیدی برای جاری شدن، است.

چرا سعید راد نمی‌خواست نقش رضاشاه را بازی کند؟

بازیگران بسیاری ایفاگر نقش رضاشاه در فیلم‌ها و سریال‌ها بوده‌اند. اما سعید راد در سریال «در چشم باد» توانست به قدری خوب بازی کند که برای مخاطب باورپذیر باشد.

تجربه این بازیگر از بازی در این نقش را در گفت و گوی زیر بخوانید.

با توجه به ویژگی‌هایی که رضاشاه در رفتار و کردار و حتی راه رفتن داشت، برای نزدیک‌ترشدن به این نقش و این‌که بتوانید دیکتاتور بودن او را به خوبی در بازی‌تان نشان بدهید، در این زمینه مطالعات بسیاری داشتید یا فیلمنامه کامل بود؟

وقتی آقای جوزانی این نقش را به من پیشنهاد کرد حدود چهار پنج جلسه‌ای در دفترشان با هم در این باره صحبت کردیم تا بگوید از من برای بازی در این نقش چه می‌خواهد. البته من نمی‌خواستم که این نقش را بازی کنم.

چرا؟

به دلیل حساسیت‌هایی که اینگونه نقش‌ها دارند، بازی کردن‌شان خیلی مسوولیت دارد. چون به هر حال نمی‌توان در این نوع آثار همه وقایع را به تصویر کشید. چون وقتی می‌خواهی به زندگی شخصیت‌های تاریخی ورود کنی، مسوولیت سنگینی را برعهده می‌گیری. بنابراین من هم از ابتدا فکر می‌کردم قرار است زندگی رضاشاه را به صورت کامل بسازند و من هم آن نقش را بازی کنم. اما آقای جوزانی برای من توضیح داد که داستان سریال در چشم باد از زمان ورود متفقین به ایران و قیام میرزا کوچک‌خان تا فتح خرمشهر است. به همین دلیل پذیرفتم که این نقش را بازی کنم. به من تعدادی هم کتاب معرفی کرد و گفت که با خواندن این کتاب‌ها به کاراکتری که مدنظر من است، می‌رسی که من هم آن کتاب‌ها را مطالعه کردم. در طول کار هم خیلی با هم در این باره صحبت می‌کردیم و مطالعه و کمک‌های ایشان باعث شد بتوانم به این کاراکتر نزدیک شوم. فیلم‌های مستندی هم که از آن مقطع تاریخ در دسترس بود را هم دیدید تا بتوانید کاملا در قالب این شخصیت قرار بگیرید؟ من بیشتر عکس دیدم و خاطرات فروغی و چند نفر دیگر را در این زمینه مطالعه کردم تا جنس عصبانیت این شخص زمانی که خبرهای بد می‌شنید را بتوانم به خوبی دربیاورم.

از آنجا که رضاشاه اهل شمال ایران بود، برای لحن و گویش و بیان این شخص چه کردید؟

ما اصلا روی لهجه کار نکردیم. فیلم‌هایی هم که من از آن دوران دیدم، صامت بود. با وجود این‌که به بازی در چنین نقشی علاقه‌مند نبودید، وقتی به عنوان مخاطب سریال را دیدید، از نتیجه کار راضی بودید؟

دقیقا. چون اطمینان داشتم چیزی که مدنظر کارگردان بود را می‌توانستم اجرا کنم. بیشتر روی فیزیک بدنم برای این شخصیت کار می‌کردم. چون می‌دانید که برخی از بازیگران فیزیکی هستند و بعضی بازیگر صدا.

بعد از آن کار دوباره به شما بازی در این نقش در سریال دیگری پیشنهاد شد؟

بله اما نپذیرفتم. البته بازی یکی دیگر از شخصیت‌های تاریخی هم به من پیشنهاد شد که به همان دلیلی که پیش از این گفتم قبول نکردم.

دگرگونی!

روزنامه کیهان در ستون (گفت و شنود) خود نوشت:

گفت: مدعیان اصلاحات چه خبرشونه که برای پیروزی جو بایدن در انتخابات آمریکا لَه لَه می‌زنند و یقه پاره می‌کنند؟!

گفتم: هنوز باورشان نشده که سگ زرد برادر شغاله!

گفت: مگر ندیده‌اند که طی ۴۱ سال گذشته رؤسای جمهور آمریکا، چه دموکرات و چه جمهوری‌خواه در کینه‌توزی و دشمنی با ایران اسلامی از هم سبقت می‌گرفتند؟!

گفتم: چرا به جای اینکه آستین‌هایشان را بالا بزنند و مشکلات را حل کنند، سر مردم را به انتخابات آمریکا گرم می‌کنند؟!

گفت: ادعا می‌کنند انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرایط را دگرگون می‌کند!

گفتم: عجب عوامی هستند! دگرگونی در ریاست جمهوری آمریکا، یعنی از این گونی به اون گونی!

همسایه هایی که زیاد می دانند

آرزو درزی طنزنویس **روزنامه آرمان** نوشت: قدیم ها می‌گفتند همسایه باید از حال همسایه باخبر باشد. همسایه باید به همسایه کمک کند، هوایش را داشته باشد و صحبت‌هایی از این دست. آن‌قدر این موضوع همسایه را بزرگش کردند که کم‌کم کار به جاهای باریک کشید. درست است که ما دیگر در آن خانه‌هایی زندگی نمی‌کنیم که دور تا دور حیاط‌شان اتاق بود و همه با هم زندگی می‌کردند، یا بچه‌هایمان کمتر در کوچه با هم بازی می‌کنند و تبادل اطلاعات از این طریق بین خانواده‌ها کمتر انجام می‌شود، یا کمتر از هم سیب‌زمینی و پیاز و گوجه‌فرنگی قرض می‌گیریم، اما از احوال هم باخبریم، خیلی هم باخبریم. خیلی بیشتر از تمام نسل‌های قبلی که ادعای صفا و صمیمیت‌شان می‌شود، آن‌هم به لطف برخی دوستان سازنده که در انتخاب و میزان استفاده از مصالح ساختمانی، آن‌قدر دقت به خرج داده‌اند که خدایی نکرده ضخامت دیوارها از چند میلی‌متر بیشتر نشود و جنس‌شان طوری باشد که حتما هم امواج صوتی را با بالاترین کیفیت به واحدهای اطراف منتقل کند. با توجه به این شرایط، اگر از من بپرسید که همسایه طبقه بالایی‌مان چرا این روزها بیشتر در خانه می‌ماند و تا لنگ ظهر در خانه می‌ماند و نمی‌رود سرکار، بهتان می‌گویم که شریکش سرش کلاه گذاشته و مغازه را بالا کشیده. البته خودش هم زیادی ساده‌لوح بود. اصلا از لحن صحبت شریکش معلوم بود که به ریگی به کفشش است، اما حالا از مسیر قانونی اقدام کرده. چند دقیقه پیش هم نتیجه دادگاه از طریق پیامک به او اعلام شد و خداروشکر توانسته حقش را بگیرد. البته به خاطر شرایط کرونا اوضاع کاسبی مغازه هم خوب نیست، اما از آخر همین هفته قرار است دوباره با رعایت پروتکل‌ها مشغول به کار شود تا ببینیم خداچه می‌خواهد. ارتباطات ما با همسایه‌هایمان البته یک‌طرفه نیست. کاملا دوطرفه (یا بعضا چند طرفه) است. مثلا من اگر خودم، در اتاق خودم، زیر پتو چندبار پشت سرهم سرفه بکنم، آقا داود واحد بغلی که دستی در طب سنتی هم دارد، چندتا ضربه به دیوار می‌زند و می‌گوید: «چایی زنجبیل دم کن با لیمو و عسل روزی سه وعده بخور. از سرفه‌های معلومه گلوت چرک داره، دیشبم تو خواب خر و پف می‌کردی». یا مثلا اگر برای بقیه همسایه‌ها سوال پیش بیاید که آقا داود و همسرش چرا امروز صبح قیافه‌هایشان گرفته و عبوس بود، درحالی که تا دیشب خیلی خوشحال بودند، من سرم را می‌اندازم پایین و درحالی که لبخند رضایت‌بخش به لب دارم، می‌گویم: «مشکل‌شون قابل حله؛ نگران نباشین. خود آقا داود هم از طب سنتی سر در میاره، نمی‌ذاره اوضاع این‌جوری بمونه». می‌بینید؟ ما هم همسایگی سرمان می‌شود و از حال هم باخبریم. تنها تفاوت‌مان با نسل قدیم این است که حالا دیگر این‌قدرها هم نمی‌خواستیم درجریان احوال هم قرار بگیریم. در حد همان سیب‌زمینی و پیاز را ترجیح می‌دادیم. راستش حتی گاهی بالش را روی سرمان می‌گذاریم و با خودمان آهنگ می‌خوانیم و صداهای بلند درمی‌آوریم که از حال همسایه‌مان باخبر نشویم. اما متأسفانه می‌شویم. همیشه می‌شویم.

تاریخ ایران خیلی شلوغ بود خلوتش کردیم

روزنامه شهروند در ستون طنز خود چنین نوشت:

نماینده مجلس: من هیچ وقت نمی‌ذارم بچه ام وارد این خیابونا بشه!

تاج: زیرساخت‌های حضور بازرگان و طالقانی در تاریخ ایران فراهم نشده هنوز!

مسئول فضای مجازی: طرح تولید بازرگان و طالقانی ملی ارائه شد!

بازرگان: اگه هنوزم به یادمی لایک کن!

وزیر اقتصاد: اگه می‌شناسنشون تو بورس عرضه‌شون کنیم، هان؟!

نماینده مجلس: اگه کسی شناختشون مجبوریم فیلترشون کنیم!

وزارت آموزش و پرورش: شورای شهر صبح زود زنگ بزنه به مردمبیینه طالقانی رو می‌شناختن یا نه!

شهرداری تهران: بندازید داخل طرح ترافیک که ما پول در بیاریم ازشون!

فرماندار: من خودم صبح شنبه بازرگان رو شناختم!

شورای شهر: همین اسم گذاری رو خوب بلدیم، از ما نگیریدش!

یک سازمان دولتی: یک قاچ از بازرگان وقف ماست!

اپلیکیشن مسیریاب: بازرگانم فیلترشده!

فائزه هاشمی: یک بار قبل از انقلاب، محسن به من تذکر داد؛ مادرم به او گفت تو قیم خواهرت نیستی

روزنامه شرق با فائزه هاشمی رفسنجانی پیرامون موضوعات مختلف سیاسی از جمله موقعیت کنونی زنان گفت و گو کرده است.

بخشی از این گفت‌و گو را در ادامه می خوانید.

دختر هاشمی‌رفسنجانی بودن، چقدر بر پوشش شما و تربیت فرزندانتان تأثیر داشته است؟ از ابتدا که شروع به فعالیت کردید، اتفاق افتاده است که به نحوه پوششتان ایراد بگیرند و بگویند که چطور لباس بپوشید؟

بله؛ البته این چیزها سلیقه‌ای است. من از زیر چادر شلوار جین یا کتانی سفید می‌پوشیدم که برخی ایراد می گرفتند. دانشگاه آزاد هم که دانشجو بودم، در آن زمان مانتوها همه بلند و گشاد و تیره بود، سر کلاس چادر را برمی‌داشتم، مانتوهایم بلند نبود، معمولا رنگ روشن می‌پوشیدم یا بارانی که کمی چسبان بود. رئیس دانشگاه گفت ما می‌دانیم حجاب شما مشکلی ندارد، ولی شما که این‌طور می‌پوشید دیگران هم می‌خواهند همین کار را بکنند. گفتم خیلی هم خوب است که بپوشند. وقتی مشکلی ندارد، چه اشکالی دارد دیگران نیز آن را انجام دهند. مانتوهای دراز و گشاد که در هرکدام چند نفر جای می گیرند، چیست که تن دخترهایمان کرده‌ایم. این‌طور حرف‌ها بوده، اما موضوعات جدی‌تر نبوده است.

پدر یا مادرتان به شما چیزی نمی‌گفتند؟

معمولا نه؛ من چادری هستم، اما این‌طور نبود که فکر کنم چادر حجاب برتر است و همه‌جا چادر سر کنم. مثلا در دانشگاه با مانتو و روسری بودم و حتی مقنعه هم سر نمی‌کردم. فقط زمان اسب‌سواری مقنعه سر می‌کنم که راحت‌تر است. یا در ماشین معمولا چادر از روی سرم می‌افتد و اصراری به سرکردن آن ندارم، احتمالا گاهی تذکر هم داده بودند، اما به‌صورت جدی چیزی یادم نیست.

هیچ‌وقت درگیر برادر غیرتی بوده‌اید؟

خوشبختانه نه؛ یک‌بار قبل از انقلاب که بابا زندان بود، محسن چیزی به من گفت، یادم نیست چه بود، مامان با او دعوا کرد که مگر تو قیم فائزه هستی؟ و تمام شد. الان هم گاهی محسن به صحبت‌های من اعتراض می‌کند من هم می‌گویم این موضوع من است، نه تو. به‌هرحال تربیت خانوادگی و رفتارهای مامان و بابا نتیجه‌اش این بوده که چنین اعتراضاتی نبوده است. اگر هم بوده، من زیر بار نرفته‌ام که این تذکرها ادامه داشته باشد.

اجازه داشتید به منزل دوستانتان رفت‌وآمد کنید؟

تا حدودی که مامان می‌شناخت بله. اما با هر کسی اجازه رفت‌وآمد نداشتیم.

از چه زمانی به شما اجازه دادند تنها رفت‌وآمد کنید؟

این‌گونه به خاطر نمی‌آورم؛ احساس محدودیت بالا و زیاد نداشتیم. برای دبیرستان تنها یا با فاطمه می‌رفتم. البته چون ۱۶ سالگی هم ازدواج کردم، خیلی درگیر این مسائل نشدم.

هیچ‌وقت این‌طور بوده که با دوستانتان سینما و رستوران رفته باشید؟

یادم نیست چه زمانی این برنامه‌ها شروع شد. بعد از دبیرستان چون ازدواج هم کرده بودم و همسرم هم کسی نبود که به این کارها کاری داشته باشد، این برنامه‌ها عادی بود.

در انتخابات ۱۴۰۰ نامزدی رای می آورد که نه اصلاح طلب باشد، نه اصولگرا؟

روزنامه شرق نوشت: رئیس جمهوری «فراجناحی» یا «انقلابی» کلیدواژه‌ای است که اصولگرایان این روزها درباره انتخابات ۱۴۰۰ زیاد به کار می‌برند. از سویی دیگر با گوشه‌چشمی به وضعیت نیروهای اصلاح‌طلب و بدنه حامی‌شان، هم‌زمان معتقدند که انتخابات سال آینده ریاست‌جمهوری یک انتخابات درون‌گروهی است. این یعنی دقیقا آن فرد به‌اصطلاح فراجناحی یا انقلابی قطعا متعلق به اردوگاه اصولگرایی است. آنها با همین کلیدواژه انقلابی به انتخابات مجلس یازدهم هم ورود کردند و مجلس تماما اصولگرایشان را مجلس انقلابی می‌نامند. ابوالفضل موسوی‌بیوکی، نماینده سابق مجلس هم گفته در ۱۲ انتخابات، رئیس‌جمهورهای مختلفی را انتخاب کرده‌ایم و حالا براساس تجربه می‌دانیم یک رئیس‌جمهور اگر بتواند فراجناحی باشد، بهتر عمل می‌کند. اگر وابسته به یک حزب و طیف باشد، مشکلاتی در آینده دارد که پیش‌تر مثالش را دیده‌ایم. درواقع اگر فراجناحی باشد، بهتر می‌تواند تیمش را بچیند. در انتخابات ۸۴ هم احمدی‌نژاد با حمایت شبکه‌ای از جریانات اصولگرایی در قالب فردی غیرجناحی به جامعه معرفی شد. کلیدواژه‌ای که آن زمان برای احمدی‌نژاد به جای اصولگرایی استفاده می‌شد، «عدالت‌محوری» بود، برای همین هم توانست در دور دوم انتخابات در مقابل هاشمی، آرای بخش زیادی از طیف خاکستری را به سمت خود جذب کند. اصولگرایان در انتخابات مجلس چشم به همین سبد خاکستری داشتند اما به نظر می‌رسد به‌جز شهرهای کوچک که الگوی رأی‌دهی آنجا متفاوت است، برخلاف انتظارشان، در شهرهای بزرگ نتوانستند از همان سبد رأی پایگاه سنتی خود فراتر روند و سهمی چشمگیر از سبد آرای خاکستری داشته باشند. حالا هم با توجه به اینکه احتمال می‌دهند وضعیت مشارکت شبیه انتخابات مجلس یا حتی بدتر از آن باشد، سعی می‌کنند با طرح رئیس‌جمهور فراجناحی سبد رأی طیف خاکستری را به سمت خود سنگین کنند.

واکسن واکسن که می‌گفتن، این بود؟

فریبرز خراباتی در ستون طنز **روزنامه آرمان** آورده: چراغ آرایشگاه را که روشن کردم بلافاصله رئیس سازمان غذا و دارو وارد شد و گفت: وقت داری؟! طبیعتا وقت داشتم، یعنی این ساعت از شبانه‌روز که ساعت اداری هم است تنها مسئولان مشتری اول و آخر آرایشگاه هستند و می‌خواهند اصلاح شود. ایشان را روی صندلی نشاندم، پیش‌بند را بستم.

من: چه مدلی بزنم؟

رئیس سازمان غذا و دارو: همون همیشگی! مشغول اصلاح بودم که رئیس سازمان غذا و دارو انگار چیزی به ذهنش برسد ناگهان به سمتی خیره شد و لبخند زد.

رئیس سازمان غذا و دارو: یه خبر خوش برای شما و بقیه مردم کشور دارم.

من: ای بابا، می‌خواید آب و برقو قطع کنید؟

رئیس سازمان غذا و دارو: نه اون که خیلی خبر بزرگیه، عمرا اگه بدون مشتلق اعلامش کنم.

من: خب پس خبر خوش‌تون چیه؟

این را پرسیدم و مشغول کوتاه کردن چتری‌های ایشان شدم. رئیس سازمان غذا و دارو چشم‌هایش را بسته بود که مو داخل‌شان نرود و لبخند می‌زد.

رئیس سازمان غذا و دارو: به زودی واکسن آنفلوآنزا به مردم عرضه می‌شه!

من: به همه مردم؟

رئیس سازمان غذا و دارو: نه دیگه! روتو زیاد نکن. سه نوع قیمت داریم.

من: بازم اصلاح کنم؟

رئیس سازمان غذا و دارو: آره... ببین سه نوع قیمت داریم. گروه اول به صورت رایگانه.

من: جسارتا گروه اول کیا هستن؟!

رئیس سازمان غذا و دارو: خودمون!

من: ما و شما؟

رئیس سازمان غذا و دارو: نه! فقط ما! گروه دوم سالمندان بالای ۶۵ سال حدود ۴۲ هزار تومنه!

من: که ما جزشون نیستیم.

رئیس سازمان غذا و دارو: برای کودکان زیر ۵ سال هم واکسن سه ظرفیتی توزیع می‌شه.

من: بیشتر اصلاح بکنم؟

رئیس سازمان غذا و دارو: اگه صلاح می‌دونی که آره!

جدول سودوکو

۲۵۳ جدول سودوکو همواره در تمام دنیا، طرفداران خاص خود را داشته است. دراینجا برایتان ۳ جدول سودوکو در ۳ سطح ساده، متوسط و سخت در نظر گرفته شده است.

سخت

			۲	۱	۳			
			۶	۸	۵			
	۲			۹			۵	
۸	۱			۴			۷	۲
	۹	۳		۲		۱	۶	
۵			۱	۳	۸			۶
		۴					۳	
۹			۲		۱			۱

متوسط

			۸	۳	۹			
۴		۳		۲		۱		۷
	۵	۹	۴		۷	۳	۶	
		۸	۱		۴	۹		
		۱	۲	۹	۶	۷		
		۵				۲		
			۳		۲			
	۶					۵		
۹	۳					۱	۲	

ساده

		۳	۸	۴	۷	۶		
	۶	۲	۱	۳	۵	۹	۸	
۴	۸	۵	۶		۲	۱	۷	۳
	۱		۳	۸	۴		۹	
۳		۶		۷		۴		۸
	۴	۹	۵	۲	۶	۷	۳	
۹	۳		۷	۱	۸		۶	۲
۲		۸	۴	۶	۹	۳		۷
	۷	۱	۲	۵	۳	۸	۴	

حل جدول دو شرحی شماره ۱۰۰۳۳

عادی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	خ	د	م	ت	ر	س	ا	ن	ی	ب	ه	ر	د	ا	م
۲	ا	ی	ت	ی	■	ن	و	ق	ا	■	ن	ا	س	ز	ا
۳	ص	م	ی	م	ی	■	ر	ا	س	م	■	م	ا	د	ر
۴	و	ی	ن	■	و	ت	■	ه	ا	ت	ف	■	ن	ی	ت
۵	ی	■	■	ن	ی	ا	ب	ت	■	چ	و	ی	ا	■	ا
۶	ی	ا	د	ا	و	ر	ی	■	ا	ل	ل	ه	■	م	د
۷	■	ر	و	ش	■	خ	ر	م	ب	ی	د	■	ا	غ	ل
۸	ا	ش	ا	ر	ه	■	چ	ل	و	■	ر	ه	ن	م	ا
۹	م	ا	ت	■	چ	ا	ن	س	خ	ت	■	ی	ه	و	■
۱۰	ب	د	■	و	د	و	د	■	ا	ل	ا	ب	ا	■	پ
۱۱	و	■	م	ب	ه	م	■	و	ک	ا	ل	ت	■	■	■
۱۲	ل	ا	■	م	ا	ش	ا	■	ش	ی	■	ر	ب	ی	■
۱۳	ا	ر	ا	ک	■	چ	ی	ر	ه	■	س	گ	ز	ر	د
۱۴	ن	د	ی	م	ه	■	ل	ی	و	ا	■	ن	م	ن	م
۱۵	س	و	ر	پ	ر	ا	ی	ز	ش	ا	ن	گ	ه	ا	ی

ویژه

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ف	ر	ی	د	و	ن	م	ه	ر	ب	ا	■	ت	ی	م
۲	ا	ی	ک	س	■	ل	ا	م	ا	■	ر	ش	ی	س	ت
۳	و	ا	ر	ی	ش	■	ن	س	ب	ت	■	ی	و	ی	و
۴	ی	ل	و	■	ی	ی	■	ت	و	س	ن	■	ا	و	ل
۵	س	■	■	ا	و	ا	ب	ر	■	خ	ا	ز	ن	■	ل
۶	م	ا	س	ه	ن	ف	ر	■	و	ی	ل	ا	■	ا	و
۷	■	ح	ا	د	■	ا	ن	ک	ا	ر	ا	■	ک	و	ژ
۸	ا	س	ل	ا	م	■	ا	ن	س	■	ن	ه	ا	ی	ی
۹	ک	ا	م	■	خ	ا	م	ه	ا	ی	■	چ	ی	ن	■
۱۰	ت	ن	■	چ	م	ل	ه	■	ب	و	ل	و	ن	ی	ا
۱۱	ی	■	د	ی	ل	م	■	ب	ی	س	ی	م	■	■	ک
۱۲	ن	ب	ش	■	ک	ا	ن	ی	■	ف	س	■	ک	م	ا
۱۳	ی	ر	ن	ا	■	س	ا	د	س	■	ت	د	ل	ی	س
۱۴	و	چ	ا	ه	ت	■	ن	ا	ی	ل	■	ا	ر	س	ی
۱۵	م	ا	م	و	ر	ی	ت	د	ر	س	ا	م	ا	ر	ا

جدول شماره: ۱۰۰۳۴

جدول روزنامه «خبر جنوب» دارای دو شرح عادی و ویژه می باشد. چنانچه مایل به حل هردو شرح می باشید پس از حل یکی از شرح ها، آن را پاک کرده و سپس به حل جدول دیگر بپردازید.

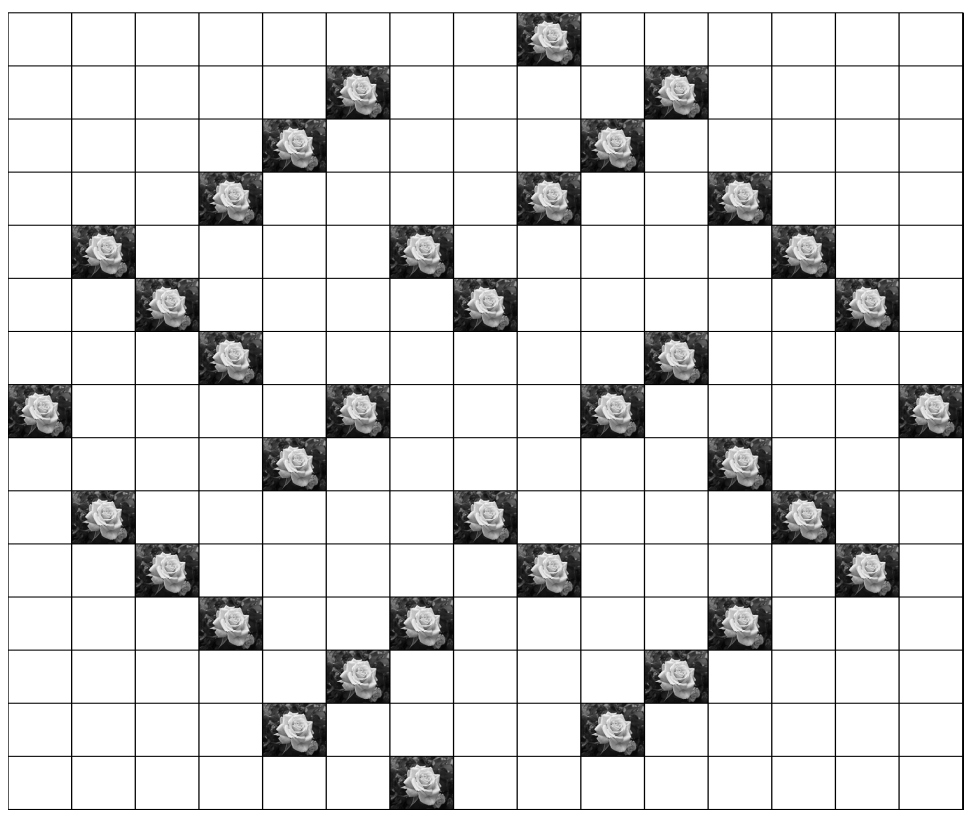

شرح عادی

افقی:

۱ – لرزان و سست – برآمدگی جلو ساختمان ۲ – جانور تکسلولی – جزئی از دوربین – هواپیمای کارتونی ۳ – فدیه – آنفلوانزا – بریان و اشک ریزان بر آتش ۴ – کلام پرسش – مرغابی – هویدا – پدر عرب ۵ – نژاد و تیره – بیزار و دلزده – میکسر ۶ – دوباره کاری – نظم، تشریفات – من و تو می شویم ۷ – خواندنی محبوب خانمها – پنکه قدیمی ها – واحد پول لائوس ۸ – سازمان نظامی سنتی ایران – گهواره پارچه ای – از بخشهای اوستا ۹ – بی قید و بند – همین حالا – نظیر ۱۰ – واحد سطح – خورشت خوشمزه – نامه بلند ۱۱ – خودستایی – محله ای در تهران – چاق خارجی ۱۲ – سهولت – ستاره روشن – عید سال نو ویتنام – عنصری سنگین، سمی و چکش خوار ۱۳ – مسیحی – پیغام آور – از انبیا ۱۴ – تک تک – اهل ناحیه – عنوان امرای عثمانی ۱۵ – اثر توریستی استان گلستان – داوطلب مقام یا شغلی

عمودی:

۱ – مشت و مال دهنده – هافبک بارسلونا ۲ – ممارست – خبره – یاغی ۳ – خوشگل – ستاره – برادر خشایارشاه ۴ – کناره و حاشیه – توانگری و دارایی – طول بدن – بخشی از سوره ۵ – بی دنبال – دروغ پردازی – نوعی کشتی ۶ – پیچیدن – بند و ریسمان – پر ۷ – رنج – کشور برج ایفل – چاشنی صبحانه ۸ – حامل – از محصولات ایران خودرو – زخم چرکینی که آب به آن نفوذ کرده باشد ۹ – چیزها – آوازی در دستگاه شور – قلق ۱۰ – اجتناب کردن – نوشیدن با صدا – عدد پیشتاز ۱۱ – کدو تنبل – ضد هوایی! – کشیده شده ۱۲ – چنین نامی هرگز فراموش نمی شود – کدبانوی خانه – ماهی فروش – باز انگلیسی ۱۳ – جای تفریحی ارسنجان – جنب – عینک نمی آموزد ۱۴ – زمین لم یزرع – وسط – عرضه شده برای خرید ۱۵ – عنوان مسابقاتی بین المللی در زمینه دانش روباتیک و هوش مصنوعی که بصورت سالیانه برگزار می شود – دیکتاتوری

شرح ویژه

افقی:

۱ – خواب نیمروز – رمان فرشته احمدی ۲ – اختصار وزارت اطلاعات – تشویق کننده – کشباف ۳ – فتنه انگیزی – راهکاری برای انتقال انبوه پول – معلومات و مجموعة آگاهی ها ۴ – علامت – مساوی عامی – خنده دار – لباس بی آستین ۵ – مزه اول خرمالو – قدغن – اسم دخترانه ۶ – نخ بافتنی – کوهی در آمریکای شمالی – بزرگ ۷ – پیدا کرد – کتاب برنده جایزه افق های تازه بولونیا در سال ۲۰۱۰ نوشته «هدا حدادی» – شاخه زدایی ۸ – از لوازم آرایش – زادگاه نیما یوشیج – پرده در ۹ – بدون شفافیت – ظرفیت شیمی – منفذ ۱۰ – افشاگری – گلر سابق نفت تهران – کهن ۱۱ – زودرنج و عاطفی – شیرینی – ویتامین سبزیجات ۱۲ – سگ پاچه گیر – نام «باوت» مدافع سابق منچستر – دریافتن – درخشان ۱۳ – وحشت – محله ای قدیمی در تهران – نام تجارتی قطعه های پشم شیشه که برای ظرفشویی به کار می رود ۱۴ – عامل بیماری – ندا دهنده – کشور نیکوزیا ۱۵ – سریال سیروس مقدم – فیلمی به کارگردانی و تهیه کنندگی نیکی کریمی

عمودی:

۱ – تالاب زیبای هشترود – دماغه ای در قسمت غربی کیش با محیطی بکر ۲ – کسی که به دوست خود کمک کند – زبان مردم پاکستان – چاهی متبرک در مدینه ۳ – لگام اسب – انوع ماست نوشیدنی – دما ۴ – مانند – عزا – شالوده – عزاداری ۵ – دست و روی را بخاک مالیدن بجای وضو – نزدیک منجیل – پسوند نظیر ۶ – یار غم – رندان – نام دخترانه ۷ – جست و خیز – کلمه افسوس در نوحه و ماتم – گاه همراه بوق می آید ۸ – جامعه ها – تجویز پزشک – جانور ۹ – مخالف – نابینا – هالوژن نمک طعام ۱۰ – حس کردن – گردشگر و توریست – شادمان شدن ۱۱ – برهنه – تا چند سال پیش پرجمعیت ترین شهر هند بود – سران ۱۲ – دستگاه فشار صنعتی – نشانه فعل مضارع – نان آبگوشتی – بالاپوش خانه ۱۳ – شنونده – کوبنده مطبخ – بیچارگی ۱۴ – آحاد در ریاضی – کانون دایره – نام مردانه ۱۵ – آخرین زندانی نازی – باندرل